

تحلیلی بر مسایل برنامه درسی گروه تحصیلی هنر نظام متوسطه در آموزش های فنی/حرفه ای و مهارتی با تأکید بر شاخه کار دانش

حسن شرفی*

مربی گروه پژوهشی برنامه های درسی و روش های تدریس، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، تهران، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۸/۲۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۲/۹)

چکیده:

در این مقاله، مسایل پژوهش در فعالیت ها و محتوای برنامه های درسی فنی/حرفه ای و مهارت آموزی با تأکید بر رشته های مهارتی گروه تحصیلی هنر شاخه کار دانش، مورد مطالعه قرار گرفته است. مطالعه بیش از دویست و پنجاه گزارش پژوهشی در حوزه آموزش های فنی/حرفه ای و کار دانش جای خالی بررسی مسایل در حیطه آموزش های هنری را نشان می دهد که با توجه به این مؤلفه ها مورد مطالعه قرار می گیرد: ۱- ایجاد توان کارآفرینی دانش آموختگان و اشتغال فارغ التحصیلان (بازار کار) ۲- تنوع نیازهای آموزشی هنر جوانان و هنر آموزان ۳- تجهیزات و فضای آموزشی مورد نیاز ۴- نحوه اجرای فعالیت ها و محتوای برنامه درسی ۵- فرصت های یادگیری موجود در برنامه درسی و آموزش. نتایج این مطالعه که به روش توصیفی و تحلیل مسایل پنج گانه با رجوع به گزارش های پژوهشی و گفت و شنود با صاحب نظران حوزه گروه تحصیلی هنر در آموزش های فنی و حرفه ای و مهارت آموزی بوده است، حکایت از آن دارد که می بایستی به مواردی به این شرح توجه شود: بهره گیری از نتایج مطالعات آموزش های فنی و حرفه ای سایر کشورها به صورت نظری و عملی؛ تأمین نیروی انسانی (هنرآموز)؛ طراحی، تدوین و اجرای برنامه های درسی فنی/حرفه ای و مهارت آموزی به صورت راهنمای برنامه درسی؛ توجه به عناصر برنامه درسی در اجرای آموزش های فنی/حرفه ای و مهارتی؛ و نظایر آن.

واژه های کلیدی:

آموزش فنی و حرفه ای، شاخه کار دانش، گروه تحصیلی هنر، فعالیت ها و محتوای برنامه درسی.

مقدمه

خدمات براساس نیازهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است به نحوی که هریک از افراد شاغل و یا متقاضیان اشتغال در جامعه، برای کاری که انجام می‌دهند و یا داوطلب انجام آن هستند، دانش، مهارت و نگرش کافی را کسب کنند (ریسمانچیان، ۱۳۸۶، ۳۲)؛ از این جهت با بخشی از اهداف نظام آموزش عالی همچون ارائه خدمات به بخش‌های عمومی و خصوصی (امرالهی، ۱۳۸۳، ۳۷) هم سو می‌باشد. در این نوشتار مسأله‌یابی در خصوص آموزش‌های مهارتی شاخه کاردانش و رویکردهای عمده آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و همچنین گذر و نظری بر مهم‌ترین آنها، پیش‌روی خوانندگان فرهیخته قرار گرفته است.

نظام جدید آموزش متوسطه در سال ۱۳۷۱ با ترکیب سه شاخه تحصیلی نظری، فنی/ حرفه‌ای و کار دانش شروع شد. با توجه به فلسفه تأسیس شاخه کاردانش برای تأمین نیروی انسانی ماهر متناسب با نیاز بازار کار و تربیت نیروی کار ماهر و نیمه‌ماهر و استادکار، هنرجویان می‌توانند در صورت گذراندن استانداردهای مهارت و دروس عمومی و همچنین با انتخاب و گذراندن باقی‌مانده دروس تا ۹۶ واحد، دیپلم متوسطه کاردانش بگیرند و با این شرایط است که می‌توانند در دوره کاردانی و رشته مرتبط، ادامه تحصیل دهند.

هدف کلی شاخه‌های مهارت‌آموزی^۱ کاردانش و فنی/ حرفه‌ای، تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش‌های صنعت، کشاورزی و

بیان مسأله

- ۱- ایجاد توان کارآفرینی^۵ دانش‌آموختگان و اشتغال فارغ‌التحصیلان
- ۲- نیازهای آموزشی هنرجویان و هنرآموزان
- ۳- تجهیزات و فضای آموزشی مورد نیاز
- ۴- اجرای فعالیت‌ها و محتوای برنامه‌های درسی
- ۵- فرصت‌های یادگیری موجود در برنامه درسی
- ۶- رهنمودهای مبتنی بر تحقیقات آموزشی

مسائل نظام آموزش فنی و حرفه‌ای

مسائل مرتبط با هرکدام از موارد شش‌گانه پیش‌گفته به شرح زیر است:

الف- عدم تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توان کارآفرینی و نیازهای بازار کار: در بیش از هفتاد پژوهش که به‌طور عمده به روش توصیفی، زمینه‌یابی و بیان دیدگاه‌های هنرآموزان، مدیران هنرستان‌ها، هنرجویان و کارشناسان و... بوده است، به انطباق نداشتن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار اشاره شده است (نویدی، ۱۳۸۴، ۱۳). حدود شصت درصد هنرجویان مرتبط با رشته تحصیلی خود اشتغال ندارند؛ تسهیلات لازم برای خود اشتغالی فارغ‌التحصیلان فراهم نشده است؛ فرصت‌های شغلی برای دانش‌آموختگان کافی نیست و همچنین به دلیل حقوق و دستمزد اندک، اغلب دانش‌آموختگان تمایلی به اشتغال در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی خود ندارند.

در این نوشتار با ملاک قراردادن مؤلفه‌های پنج‌گانه‌ای که از مطالعه پژوهش‌ها در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و توجه به برخی از اجزای تشکیل‌دهنده فعالیت‌ها و محتوای برنامه درسی این شاخه همچون دانش نظری و عملی محتوای برنامه درسی متناسب با بازار کار، فرصت‌های یادگیری^۲، راهنمای برنامه درسی، نیازسنجی و نظایر آن بدست آمده است؛ توصیف و تحلیل مسایل مرتبط با هرکدام از آن مؤلفه‌ها در حیطه آموزش‌های هنری و مهارتی با رجوع به یافته‌های پژوهشی در پژوهش‌نامه‌های گروه پژوهشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای پژوهشکده تعلیم و تربیت، مقالات نشریه رشد فنی و حرفه‌ای و گفت‌و شنود با چند تن از استادان هنر و کارشناسان ارشد دفتر معاونت آموزش متوسطه (رشته‌های مهارتی و هنری) و همچنین با تأمل در مسایل مطرح شده و روش‌شناسی پژوهش معطوف به عمل فکورانه^۳ که یک روش مسأله‌پردازی و به‌گزینی توسط پژوهشگر (انتخاب راه‌حل برای موقعیت‌های مسأله‌ای، قضاوت فردی، تصمیم‌های موقعیتی پیش‌بینی نشده، نقد هنری و ارزیابی عملی موقعیت‌ها و تجربه‌ها) است، سعی شده است یافته‌های مطالعاتی در فعالیت‌ها و محتوای برنامه‌های درسی گروه تحصیلی هنر شاخه کاردانش، با وضوح و شفافیت بیشتری ارائه شود. کارایی^۴ نظام آموزش فنی و حرفه‌ای را می‌توان در هریک از عناصر و مؤلفه‌های بهبود کیفیت به شرح زیر جستجو کرد که مسایل مبتلا به هریک از آنها، پایه نقد وضع موجود گروه تحصیلی هنر در شاخه کاردانش (مهارت‌آموزی) را تشکیل داده است:

هیچگاه به اندازه ده سال اخیر سیر قهقراپی نداشته است. هر چند به‌طور ظاهری برنامه‌های درسی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، به‌خصوص کتاب‌های درسی در این حوزه توسعه یافته و از تنوع و گستردگی بیشتری برخوردار شده است ولی ضعف مدیریت برنامه‌ریزی اجرایی به ویژه در زمینه‌های تأمین منابع مالی، انسانی، تجهیزاتی، مواد و مصالح مصرفی و... و همچنین عدم نظارت بر اجرا برای شناسایی مسایل از یک سو و عدم هماهنگی با نیازهای بازارکار و مشاغل، حرف و فن‌آوری‌های روز از سوی دیگر، سبب بروز بحران و کاستی‌هایی در هنرستان‌ها و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای گردیده است (همان، ۱۳۸۹).

ج- عدم تجهیزات کافی و فضای آموزشی مورد نیاز: سال‌هاست تجهیزات کارگاهی، کهنه و فرسوده شده و جایگزین مناسبی صورت نگرفته است. از سال ۱۳۶۴ برای بهبود نظام تخصیص منابع و تجهیز هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای، طرح جذب وسایل، تجهیزات و ماشین‌آلات خارج از رده مؤسسات و کارخانجات دولتی، عملی گردید. ولی معلوم نیست تا چه میزان متناسب با اهداف و محتوای برنامه‌های درسی استفاده اصولی و بهره‌برداری لازم صورت گرفته است (جعفرآبادی، ۱۳۸۵، ۶).

د- عدم فزاینده‌گی در اجرای فعالیت‌ها و محتوای برنامه‌های درسی فنی/ حرفه‌ای و کاردانش: آیا اهداف برنامه درسی متناسب با استانداردهای مهارت^۷، بازارکار^۸، فناوری‌های جدید، نیروی انسانی متخصص، تجهیزات و فضای آموزشی، مدیریت و پشتیبانی و نظایر آن است؟ ارتباط دانش نظری و عملی چگونه است؟ دروس اختصاصی و عمومی از نظر زمان برای آموزش، چه وضعیتی دارد؟ زمینه‌سازی برای انجام فعالیت‌های گروهی، پروژه‌ای و امکان یادگیری مشارکتی متناسب با بازارکار به چه صورت است؟ وضعیت رشد کمی شاخه کاردانش نشان می‌دهد که ۹۲ درصد از مناطق کشور تحت پوشش این شاخه است که فقط حدود ۶ درصد از هنرستان‌ها به‌صورت غیرانتفاعی دانش‌آموزان را آموزش می‌دهند (چهاربند، ۱۳۸۵).

ه- فرصت‌های یادگیری اندک در برنامه‌های درسی:

- کارورزی هنرجویان به‌منظور اثربخشی بیشتر و عملکرد بهتر چگونه انجام می‌شود؟ در درجه اول پیدانکردن محل مناسب برای کارورزی بخصوص برای دختران و در درجه دوم طولانی بودن دوره کارورزی از مشکلات شاخه کاردانش است.

- آیا امکان فروش تولیدات هنری هنرجویان در نمایشگاه دائمی منطقه آموزشی یا مدرسه وجود دارد؟ بازدیدهای آموزشی از محیط‌های کار واقعی و تولیدی متناسب با رشته هنری انجام می‌شود؟

- نرخ پوشش تحصیلی ۹ دوره متوسطه در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در روستاها بسیار پایین است و به دلیل آشنا نبودن با شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش و کمبود امکانات شبانه‌روزی، از تحصیل در هنرستان‌ها محروم می‌شوند.

ضعف هدایت تحصیلی و شغلی و کافی نبودن مهارت‌های کسب شده و نظایر آن هم در عدم اشتغال و کم‌توانی کارآفرینی در فارغ‌التحصیلان موثر است. شرایط نامطلوب دیگری که مانع توسعه متوازن است، عرضه محور بودن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش و عدم نیاز بازارکار است (عرضه محوری بدون توجه به تقاضا محوری). نفیسی (۱۳۷۸)، درباره بررسی نارسایی‌های مرتبط با نظام‌های آموزش و پرورش و بازارکار نتیجه گرفته است که گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش به‌طور اصولی از نیازهای فعلی و آتی بازارکار نشأت نمی‌گیرد، بلکه بیشتر متأثر از تقاضای اجتماعی است که در اثر آن، مرزبندی کمی و کیفی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی از بین می‌رود (نقل شده در نویدی، ۱۳۸۹).

به دلیل ضعف پایگاه اطلاع‌رسانی در برخی از رشته‌ها، تورم دانش‌آموز و در بعضی رشته‌ها هم کمبود تقاضا وجود دارد که با نیازهای بازارکار و آموزش هماهنگی لازم را ندارد. به این ترتیب، شاخه کاردانش نتوانسته است به هدف اصلی یعنی تربیت نیروی انسانی در سطوح مختلف، توفیق چندانی به دست آورد و شانس اشتغال فارغ‌التحصیلان در بازارکار با حد مورد انتظار فاصله زیادی دارد (متین، ۱۳۸۹، ۱۲۴).

ب- کم توجهی به نیازهای آموزشی هنرجویان و هنرآموزان: دانش‌آموزان نیازمند راهنمایی تحصیلی هستند. از یک سو اغلب دانش‌آموزان شاخه‌های فنی/ حرفه‌ای و کاردانش بدون توجه به کشف استعدادهای خود وارد این شاخه می‌شوند و از سوی دیگر بیشتر مشاوران که وظیفه هدایت تحصیلی و اطلاع‌رسانی در این خصوص را به عهده دارند- درباره معیارها و چارچوب‌های مشخص در راهنمایی دانش‌آموزان- نیازمند آگاهی‌های بیشتری هستند.

گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای^۹ و کاردانش مستلزم هنرآموز است. یکی از مشکلات در توسعه آموزش در این شاخه‌ها که به عنوان نوآوری در نظام آموزش و پرورش کشور نام برده می‌شود، تأمین هنرآموز بخصوص "هنرآموز زن" در این بخش است. زیرا تقاضای آموزش فنی و حرفه‌ای به ویژه از طرف دختران زیاد است (چهاربند، ۱۳۸۵، ۸). هم‌اکنون مراکز تربیت دبیر فنی قدیم به همراه دانشگاه تربیت دبیر فنی و حرفه‌ای شهید رجایی (وابسته به وزارت آموزش و پرورش) در راستای تربیت دبیر فنی و حرفه‌ای پذیرشی ندارند (حج‌فروش، ۱۳۸۵، ۲۱). شتاب توسعه کمی در آموزش‌های فنی/ حرفه‌ای و کاردانش از ۱۲/۳ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۳۶ درصد در سال ۱۳۸۴، نشان از رشد سالانه بالای ۵/۸ درصد است (آزاد، ۱۳۸۵، ۲) و در ادامه به حدود ۳۵ درصد در سال ۱۳۸۷ می‌رسد که کاهش رشد را نشان می‌دهد (شریعت‌زاده، ۱۳۸۹).

در این خصوص رشد کمی هم گام با توسعه کیفی نبوده است مانند نبود هنرآموز، تجهیزات لازم و نظایر آن.

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از بدو تأسیس تا ده سال گذشته،

و- کم توجهی به رهنمودهای مبتنی بر تحقیقات آموزشی: پژوهش‌های انجام شده در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بخصوص در بخش روش‌شناسی نیازمند توجه بیشتری است. ارزشیابی‌های مکرر و بازگرددن مشکلات متعدد در این حوزه از آموزش، شواهد تازه‌ای را برای بهبود کیفیت مسایل فراهم نمی‌آورد و برخی از پیشنهادها پژوهش هم‌نیازی به انجام پژوهش به صورت مرسوم ندارد. پژوهش، تألیف و ترجمه درخصوص مبانی نظری و عملی برنامه درسی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش مورد نیاز است (نویدی، ۱۳۸۴).

شیوه گردآوری اطلاعات و روش تحلیل

مسایل عمده مطرح شده در این نوشتار با توجه به چندین نوع داده (داده‌های مصاحبه‌ای؛ یادداشت‌های میدانی و پراکنده؛ تعاملات شفاهی گردآوری شده؛ متمرکز بر معانی و تفسیر پژوهشگر؛ نقل و قول و ارجاعات کلی به داده‌ها)، مورد تحلیل قرار گرفته است که مبتنی بر روش‌های تفسیری تحلیل داده‌ها است که برحسب نوع داده می‌توانیم تحلیل شماتیک (موضوعی)؛ تحلیل زمینه‌ای (عینی و تجربی)؛ تحلیل روایتی (داستانی)، تحلیل محتوای کیفی (معنایی) و نظایر آن داشته باشیم. از این رو در این نوشتار تحلیلی، از مدل‌های نام برده (نقل شده در محمدپور، ۱۳۸۸، ۱۲۷) استفاده شده است. به منظور انجام دادن تحلیل محتوای کیفی مراحل زیر طی شده است:

۱- تعیین مواد متنی (مبتنی بر چندین نوع داده): این داده‌ها با استفاده از ابزار برگه خلاصه اطلاعات، تعیین شده است که عبارت از توان کارآفرینی و بازارکار؛ نیازهای آموزشی هنرجویان و هنرآموزان؛ فضای آموزشی و امکانات مورد نیاز؛ طراحی، تدوین و اجرای فعالیت‌ها و محتوای برنامه درسی و همچنین فرصت‌های یادگیری موجود در برنامه درسی و آموزش، می‌باشد.

۲- منابع تشخیص رسمی مواد متنی: این منابع شامل بیش از دویست و پنجاه گزارش پژوهشی در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بوده است.

۳- تعریف واحد تحلیل: این واحدها شامل زیرمجموعه‌های هریک از مواد متنی که درپیش‌گفته شده می‌باشد. این واحدها براساس برخی عناصر عمده در طراحی برنامه درسی همچون اهداف، محتوا، فضای آموزشی و امکانات موردنیاز (مکان و ابزار یادگیری)؛ فعالیت‌های یادگیری و روش‌های تدریس (کار در موقعیت‌های عملی)، تعیین شده است.

۴- تحلیل واحدها (زیرمجموعه‌ها): این نوع داده‌ها با استفاده از ابزار برگه خلاصه اطلاعات و مصاحبه با دو تن از کارشناسان ارشد هنرهای تجسمی دفتر فنی و حرفه‌ای معاونت آموزش متوسطه، گردآوری شده است که با توجه به روش استنتاجی و تفکر پژوهشگر (به‌طور مثال روش‌شناسی پژوهشی مبتنی بر

عمل فکورانه) مورد تحلیل قرار گرفته است.

۵- تفسیر نهایی: شامل جمع‌بندی از تحلیل واحدها و زیرمجموعه‌های مواد متنی می‌باشد که در انتهای نوشتار به صورت نتیجه آمده است.

رویکردهای عمده در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

با مشخص کردن دیدگاه‌های برنامه درسی^{۱۰} و همچنین رویکردهای متناسب با آن در آموزش فنی و حرفه‌ای، یک چارچوب اساسی نظری برای برنامه‌ریزی درسی فراهم می‌شود که از نگاه‌های فلسفی-ارزشی، فرهنگی و اجتماعی موجود در یک جامعه و ماهیت انسان و دانش نشأت می‌گیرد. دیدگاه‌های مطرح شده توسط صاحب‌نظران حوزه برنامه درسی، پنج مبنای تفکیک دیدگاه‌ها را نشان می‌دهد که شامل مبانی نظری با تمرکز بر نقاطی به شرح زیر است (سلسبیلی، ۱۳۸۰، ۱۷):

۱- موضوع ماده درسی: توجه به موضوعات درسی، سواد اجتماعی و انتقال میراث فرهنگی و مفاهیم دینی

۲- انسانیت: توجه به ایجاد روابط انسانی و عاطفی، آزادشدن از محدودیت‌های ایدئولوژیک، رشد اجتماعی دانش‌آموز و ایجاد تغییرات اجتماعی

۳- جامعه آرمانی: توجه به رشد اجتماعی دانش‌آموز، ایجاد تغییرات اجتماعی و بهبود جامعه از راه تحولات اساسی در آموزش

۴- تجربه و فرایند یادگیری: تأکید بر به کارگیری فرایندهای شناختی و حل مسأله و همچنین توجه به مراحل رشد شناختی، دانش‌آموز محوری و تأکید بر تجربیات یادگیری

۵- صلاحیت و رفتار مطلوب: تأکید بر آموزش‌های حرفه‌ای (عملی) و کسب صلاحیت‌های فنی، به کارگیری فن آوری و توجه به نقش تعیین‌کننده آن در فعالیت‌ها و محتوای برنامه درسی.

مورد اخیر یکی از مهم‌ترین دیدگاه‌های برنامه درسی بخصوص در تربیت حرفه‌ای^{۱۱} است که طراحی (برنامه درسی قصد شده)، اجرا (برنامه درسی اجرا شده) و همچنین ارزشیابی (برنامه درسی کسب شده) به دلایلی همچون تناسب نداشتن محتوای کتاب‌های درسی با بازارکار و فناوری‌های جدید، دراختیار نداشتن تجهیزات کارگاهی و معلمان دارای مدرک تحصیلی غیرمرتبط (غیرمتخصص)، تفکیک دانش نظری و عملی و نظایر آن (مؤلفه‌های کارایی درونی)، از همخوانی لازم برخوردار نیست. در هر حال همه کشورهایی که به نوعی درگیر بازسازی نظام‌های فنی و حرفه‌ای خودشان هستند در رویارویی با عصر فناوری‌های نوین و در بهبود کیفیت نظام آموزشی به انواعی از رویکردهای تلفیقی (تلفیق آموزش‌های نظری و حرفه‌ای به روش‌های مختلف) روی آورده‌اند که به شرح زیر این الگوها معرفی می‌شود.

کسب کنند (دراکر، نقل شده در مقیمی، ۱۳۸۵، ۲۶):

- ارائه کالای جدید
 - ارائه روشی جدید در فرایند تولید
 - گشایش بازاری جدید
 - یافتن منابع جدید
 - ایجاد هرگونه تشکیلات جدید در صنعت
- کارآفرینی یعنی ترکیبی از تفکر و اجرا، کارآفرین فردی است که فرصت ارائه‌ی یک محصول را می‌یابد، همچنین با ارائه ایده‌های جدید، شناسایی فرصت‌های تازه و ایجاد کسب و کار نو از راه‌های بدیع و رشد یابنده که توأم با پذیرش خطر است، سبب معرفی محصول یا خدمت جدیدی به جامعه می‌گردد.

نرخ رشد اقتصادی یک کشور رابطه‌معنی‌داری با سطح فعالیت‌های کارآفرینی دارد. حدود نیمی از کارکنان کشورهای توسعه یافته در کسب و کارهای کوچک مشغول فعالیت هستند و بیشتر مشاغل جدید را کسب و کارهای کوچک ایجاد می‌کنند که توسط کارآفرینان تأسیس شده‌اند و سهم این فعالیت‌ها در بازارکار در حال افزایش است. بدیهی است که با افزایش فعالیت‌های کارآفرینانه نرخ بیکاری و پیامدهای نامطلوب آن در جامعه کاهش می‌یابد (زالی، ۱۳۸۵، ۳۷).

۴- عام‌گرایی نوع دوم (تخصص‌گرایی نرم- تلفیق عام‌گرایی و تخصص‌گرایی): دوره تربیت رسمی و عمومی در آموزش و پرورش بنا به ماهیت عمومی خود نمی‌تواند برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اصالت قایل باشد. این آموزش‌ها در مجموعه آموزش‌های تخصصی می‌گنجد و درست مانند تحصیلات عالی (دانشگاهی) باید در دست‌ورکار آن بخش از نظام آموزشی قرار گیرند که متولی تربیت تخصصی است. دیدگاه تخصص‌گرایی نرم یک دیدگاه تلفیقی برای هدایت سیاست‌های نظام آموزش در دوره دوم متوسطه است که مدعی است از فواید مندرج در هریک از دو دیدگاه قطبی (عام‌گرایی که متهم به

معرفی الگوهای برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

۱- ترکیب واحد تولید و مهارت‌آموزی به عنوان تلفیق کار و آموزش: این الگو، برای تلفیق کار و آموزش است. در این تلفیق، محیط‌کاری دو نقش دارد، یکی برای مهارت‌آموزی و دیگری برای تولید کالا و خدمات. یک نظام آموزش فنی و حرفه‌ای باید نزدیک به دنیای کار باشد تا بتواند مهارت‌های مناسب و مرتبط با نیازهای آنها را آموزش دهد. در دو بخش دولتی و خصوصی می‌تواند صورت گیرد (خلایقی، ۱۳۸۶، ۴). ولی به دلایلی بخش خصوصی از این الگوها استقبال چندانی نمی‌کند. به هر حال موفقیت در بازار رقابت برای فروش محصولات تولیدی می‌تواند شاخص موفقیت در مهارت‌آموزی دانش‌آموزان و کارایی بیرونی واحد باشد.

۲- آموزش مشارکتی به عنوان روش آموزش: یکی از روش‌های ارائه آموزش می‌باشد که به بهبود کیفیت مهارت‌های نیروی انسانی آموزش‌دیده کمک می‌کند تا در آینده از عهده انجام کار در مشاغل برآیند. این شیوه آموزش از همکاری و ارتباط معنی‌دار سه بخش صنعت (کارفرمایان)، مؤسسه آموزشی (آموزشگران) و سیاست‌گذاران به طور عمده به منظور تربیت نیروی انسانی فعال، خلاق و متناسب با نیاز واقعی بازارکار، ایجاد می‌گردد که اهداف آن به شرح جدول ۱ است.

برخی مشکلات عمده موجود در اجرای آموزش‌های مشارکتی عبارت از کمبود اعتبار مورد نیاز؛ نبود پست‌های سازمانی مرتبط با سایر دستگاه‌ها؛ کمبود قوانین حمایتی از اجرای آموزش‌ها و نظایر آن است.

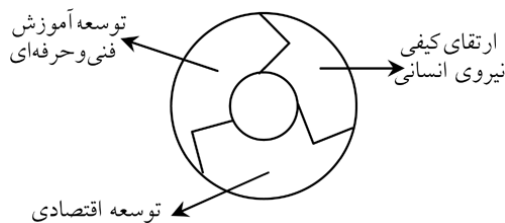
۳- کارآفرینی به عنوان نتایج آموزش: کارآفرینان، افرادی هستند که با نوآوری در هریک از زمینه‌هایی به شرح زیر، درآمد

جدول ۱- اهداف آموزش مشارکتی در سه بخش صنعت، مؤسسه آموزشی و سیاست‌گذاران.

اهداف	حوزه‌های مشارکت‌پذیر
- تربیت نیروی ماهر مناسب با نیاز خود - افزایش تولید و بازده اقتصادی از طریق به کارگیری نیروهای توانمند - افزایش بهره‌وری	کارفرمایان (صنعت)
- اقتصادی بودن آموزش در مقایسه با آموزش‌های مدرسه محور - توسعه آموزش و رشته‌های مهارتی متناسب با نیاز - به روز کردن آموزش به سهولت و متناسب - استفاده از فناوری موجود در واحدهای تولیدی و خدماتی - آموزش در محیط واقعی کار (کارمحور)	مؤسسات آموزشی (آموزشگر)
- تربیت نیروی انسانی متناسب با نیاز واقعی بازارکار - کاهش هزینه دولت در امر آموزش - فرصت توسعه متوازن برای رشته‌های جدید - حرکت در مسیر انعطاف‌پذیر کردن آموزش‌ها - امکان برنامه‌ریزی دولت مطلقه‌ای و تنوع رشته‌ای	سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان

ماخذ: (ایران‌پور، ۱۳۸۶، ۲۰)

به دست آورد و به عنوان یک نیروی کارآمد، بهره‌وری عوامل تولید را افزایش دهد. در کشورهایی که در رسیدن به توسعه اقتصادی موفق بوده‌اند در اولین گام به توسعه کمی و کیفی آموزش فنی و حرفه‌ای پرداخته‌اند و در بین کشورهای در حال توسعه به ویژه در آسیا و اقیانوسیه می‌توان کشورهای استرالیا، کره، مالزی و هند را نام برد و در میان کشورهای توسعه یافته می‌توان به آمریکا، ایتالیا، آلمان، فرانسه، انگلیس، سوئد و ژاپن اشاره کرد. توسعه اقتصادی مستلزم اصلاح و توسعه نظام‌های آموزشی به ویژه آموزش فنی و حرفه‌ای است. زیرا موتور محرکه اقتصاد و توسعه، نیروی انسانی کارآمد است که از طریق آموزش صحیح و پاسخگو به نیازهای اقتصادی و اجتماعی تربیت می‌شود (خلاق، ۱۳۸۵، ۱۴):



نمودار ۱- چرخه توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای.
ماخذ: (خلاق، ۱۳۸۵، ۱۴)

به منظور افزایش درآمد، توسعه اشتغال و بهره‌وری عوامل تولید از ابزار و راهبردهای مختلفی همچون آماده‌سازی نیروی کار؛ زیربنای (قابلیت دسترسی، ظرفیت، ارتباطات و...)؛ تجارت و تسهیلات اجتماعی (بهره‌وری صنعت، امکانات گردشگری و...)؛ کارآفرینی؛ ساختار اقتصادی و پشتیبانی از توسعه اقتصادی استفاده می‌شود. "کارکرد اصلی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای قبل از اشتغال، آماده کردن نیروی کار جدید است. از این رو می‌بایستی پاسخگوی بازارکار باشد" (آزاد، ۱۳۸۶، ۲).

نتایج تحلیل وضعیت گروه تحصیلی هنر

درآموزش‌های فنی/حرفه‌ای و کاردانش در نظام متوسطه:

در این بخش متناسب با مسایل نظام آموزش فنی و حرفه‌ای که ارائه گردید به مسایل پژوهش در فعالیت‌ها و محتوای برنامه‌های درسی گروه تحصیلی هنر (شاخه کاردانش) به شرح زیر پرداخته شده است:
الف- ایجاد توان کارآفرینی دانش‌آموختگان و اشتغال فارغ‌التحصیلان

۱- تناسب تولیدات هنری هنرجویان با بازارکار: تولیدات هنری هنرجویان با بازارکار متناسب و هم سو نیست. زیرا اگر تا حدی هم مطابقت می‌داشت، کارفرمایان می‌بایستی برای سفارش کارشان به سراغ هنرجویان بروند. کارفرما اگر مطمئن باشد که نیاز تولیدی وی را برآورده می‌کنند، هنرجویانی که از مهارت بیشتری (نه لزوماً مدرک بالاتر) برخوردارند و جویای کار هستند، شانس اشتغال بیشتری دارند.

پاسخ‌گونی بودن به تفاوت‌ها است و تخصص‌گرایی^{۱۲} که متهم به بازدارندگی از رشد و واجد آثار تحدیدکننده است) برخوردار می‌باشد. این الگو در ساختار و محتوا فاقد هر نوع انشعاب یا زمینه و شاخه تحصیلی (اعم از نظری یا فنی و حرفه‌ای) است ولی برای تأمین بخشی از علایق دانش‌آموزان دروسی تجویزی و اختیاری (که می‌تواند مربوط به رشته‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و یا مهارت‌های پایه غیرفنی باشد) در کنار دروس اجباری دوره و در قالب خوشه‌هایی ارائه می‌شود. به این ترتیب براساس مدل سه وجهی الزامی، انتخابی/نیمه تجویزی و اختیاری به فارغ‌التحصیلان برحسب نوع خوشه/درس‌های گذرانیده، می‌توان دیپلم دوره متوسطه با گرایش خاص تعلق گیرد (مهرمحمدی، خلاق، نویدی، ۱۳۸۹).

۵- تخصص‌گرایی نوع اول (سنتی): در این الگو، دوره متوسطه نظیر وضع موجود در آموزش و پرورش ایران، در ساختار و محتوا دارای انشعاب یا زمینه و شاخه تحصیلی نظری یا فنی و حرفه‌ای تفکیکی و از قبل تعیین شده است و دانش‌آموزان با هدف ایجاد آمادگی برای احراز شغل معین در رشته‌های گوناگون فارغ‌التحصیل می‌شوند. نمونه دیگر این نوع تخصص‌گرایی در برنامه درسی ملی (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۸۹). در قالب همان انشعاب‌ها و با توجه به حوزه یادگیری "کار و فناوری" در کلیه دوره‌های تحصیلی تجلی یافته است (حج‌فروش، جعفرآبادی و اسماعیلی، ۱۳۸۹).

۶- عام‌گرایی نوع اول (محض یا خالص): در این الگو دوره متوسطه مشابه دوره آموزش عمومی (ابتدایی و راهنمایی) در ساختار و محتوا فاقد در نوع انشعاب یا زمینه و شاخه تحصیلی (اعم از نظری یا فنی و حرفه‌ای) است و به فارغ‌التحصیلان آن دیپلم دوره متوسطه عمومی داده می‌شود (مهرمحمدی، خلاق و نویدی، ۱۳۸۹).

۷- تخصص‌گرایی نوع دوم (آموزش نیمه تخصصی): این الگو به جای آماده‌سازی فراگیران برای یک شغل خاص در حال تغییر به تربیت آنان برای سازگاری مؤثر با دنیای کسب و کار و طیف حرفه‌ای مرتبط می‌پردازد. به این ترتیب آموزش فنی و حرفه‌ای نیمه تخصصی در آموزش و پرورش نه براساس شغل بلکه براساس حرفه می‌تواند شکل بگیرد (حج‌فروش، جعفرآبادی و اسماعیلی، ۱۳۸۹).

نقش تعیین کننده نیروی انسانی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش

بسیاری از کشورهای توسعه یافته برای ایجاد تحول در توسعه اقتصادی به عنوان پیش‌زمینه و اولین گام، اقدام به اصلاح نظام آموزش فنی و حرفه‌ای خود و سرمایه‌گذاری در آن نموده‌اند. توسعه اقتصادی را می‌توان افزایش بهره‌وری عوامل تولید شامل زمین، کار، سرمایه و فن آوری در سطح ملی و منطقه‌ای دانست که متکی به نیروی انسانی کارآمد است. آموزش کارآمد و مؤثر می‌تواند نقش اساسی در افزایش بهره‌وری و در نتیجه توسعه اقتصادی ایفا نماید. نیروی انسانی در اثر تربیت و آموزش می‌تواند نگرش، دانش و مهارت لازم را

مشاوران می‌بایستی حتی‌الامکان در خصوص هدایت تحصیلی، چارچوب و معیارهای مشخص به‌طور خاص که مرتبط با دانش نظری و عملی رشته‌های هنری است، داشته باشند. برخی از این راهنمایی‌ها از طریق نتایج آزمون‌های اجرا شده، علایق و شرح حال هنری دانش‌آموزان و غیره انجام می‌شود. برخی اوقات هم ممکن است ذهنیت و علایق شخصی مشاور در انتخاب دانش‌آموزان مداخله داشته باشد. بنابراین مشاورانی که مرتبط با رشته تحصیلی‌شان به امر هدایت تحصیلی می‌پردازند، انتظار می‌رود دانش‌آموزان را اصولی‌تر راهنمایی نمایند تا راه بهتری را اتخاذ و انتخاب کنند.

۴- تناسب رشته تحصیلی هنرآموزان با آموزش دروس تخصصی: در بیشتر مواقع رشته تحصیلی هنرآموزان به دلایلی با دروس تخصصی مرتبط نیست و یا از ارتباط کمتری برخوردار است. کمبود نیروی انسانی متخصص از مواردی است که مدیران هنرستان‌ها و کارشناسان بیشتر به آن اشاره کرده‌اند.

۵- ایجاد زمینه برای نوآوری و انجام فعالیت‌های آموزشی خلاق هنرآموزان: در این باره راه‌های انگیزشی‌ای وجود دارد: در اختیار گذاشتن وسایل مورد نیاز، ارتباط عاطفی مدیر و هنرآموز، مشارکت هنرجویان و هنرآموزان، انجام کارهای هنری و برگزاری نمایشگاه، توجه مدیر به ایده‌های کارساز و سازنده هنرآموزان، حمایت مادی و معنوی در معرفی هنرآموزان جهت شرکت در بی‌نیال‌ها و نمایشگاه‌های داخلی و خارجی و...

ج- تجهیزات و فضای آموزشی مورد نیاز:

۱- تناسب فضای آموزشی با محتوای برنامه‌های درسی: ارائه فعالیت‌ها و محتوای برنامه‌های درسی رشته‌های گروه تحصیلی هنر نیاز به هنرآموزان متخصص، انجام تولیدات هنری در یک کارگاه مجهز به وسایل مورد نیاز یا حداقل امکان احیای فضاهای نه‌چندان قابل استفاده جهت انجام کار یا برگزاری نمایشگاه و نظایر آن است. در برخی مدارس به علت گرانی وسایل آن را تهیه نمی‌کنند یا به عهده هنرجو می‌گذارند و نیز در برخی مدارس استفاده از وسایل موجود به دلایلی معطل می‌ماند. در برخی مدارس غیرانتفاعی نسبت به مدارس دولتی، امکانات کمتری را در اختیار هنرجویان قرار می‌دهند و همچنین از فضای آموزشی کمتری برخوردارند ولی در انتخاب هنرآموز آزادی بیشتری دارند.

۲- در دسترس بودن منابع و کتاب‌های تخصصی کمک آموزشی و درسی: هنرجویان و هنرآموزان به این منابع نیاز مبرم دارند و موجبات فزاینده‌تری در تدریس هنرآموزان و تولیدات هنری هنرجویان می‌شود و امکان ارائه ایده‌های تازه‌ای برای آنها فراهم می‌نماید. در این باره بخصوص در نمایشگاه‌های کتاب خارجی، مشتاقان بسیاری از هنرجویان، هنرآموزان، ناشران و مؤسسات مختلف یافت می‌شود.

۳- دسترسی به امکانات کامپیوتری و نرم‌افزارهای آموزشی و درسی: امکانات شبکه‌ای از طریق کامپیوتر (اینترنت) موجبات استفاده از دیدگاه‌ها، ایده‌ها، تصاویر، مقالات و... که مرتبط به موضوعات درسی (گروه تحصیلی هنر) است، فراهم می‌آورد. چه‌آن‌که از این شبکه، استفاده بکنند یا نکنند به هر حال این وسیله در اختیار آنهاست،

۲- امکان اشتغال با مدرک تحصیلی بالاتر و دارا بودن دانش و تخصص بیشتر: چون تولیدات هنری هنرجویان با بازارکار انطباق ندارد، کارفرمایان در درجه اول هنرجویانی را می‌پذیرند که مهارت بیشتری دارند زیرا از نظر آنها مدرک بالاتر، انتظارات بیشتری را هم ایجاد می‌کند.

۳- استفاده از تسهیلات مالی به صورت پرداخت وام برای کارآفرینی و خوداشتغالی: استفاده از تسهیلات، توانایی ریسک بالای کارآفرینان را می‌طلبد. زیرا هرچه مطمئن‌تر باشند که می‌توانند از کار تولیدی بهره اقتصادی بیشتری ببرند به‌طور سالم جویای استفاده از آن تسهیلات می‌شوند. ممکن است برخی موارد اداری و همچنین تغییرات قوانین و نظایر آن مانع بهره‌برداری شود. به جز تسهیلات مالی به صورت وام، راه‌های تشویق دیگری هم وجود دارد به‌طور مثال در اختیار گذاشتن مکانی که به عنوان مهارت شروع تولیدات کارآفرین به منظور تولید و نمایش باشد.

۴- وجود زمینه اشتغال در بخش دولتی و خصوصی: امکان اشتغال در بخش خصوصی بیشتر از بخش دولتی است زیرا در بخش خصوصی فاصله متقاضی و تصمیم‌گیرنده کمتر است و تصمیم‌گیری سهل‌تر انجام می‌شود ولی از سوی دیگر اشتغال در بخش دولتی امنیت شغلی را به همراه دارد که اگرچه در ابتدای کار به‌طور ظاهری مهارت شروع مناسب در ارتقای مهارت‌هایش است ولی این خود ارتقایی به دلایلی در بخش خصوصی بیشتر است.

۵- امکان اشتغال فارغ‌التحصیلان برتر توسط سازمان آموزش و پرورش استان به منظور تأمین بخشی از نیروی انسانی: جالب است که حتی خود آموزش و پرورش که هم پرورش دهنده هنرجو است و هم در نگهداشت نیروی انسانی خودش می‌کوشد، در این باره برنامه‌سازمان یافته‌ای ندارد. اگر بحث اشتغال در میان باشد در درجه اول مدرک تحصیلی به عنوان ملاک قرار می‌گیرد نه خود کار (توانایی مهارت انجام کار) در حال حاضر با مدرک لیسانس به بالا در بخش دولتی پذیرش انجام می‌شود.

ب- نیازهای آموزشی هنرجویان و هنرآموزان:

۱- علاقه هنرجویان به رشته تحصیلی: علاقه به رشته تحصیلی گاهی مواقع به خاطر جذابیت برخی رشته‌هاست. اگرچه این جذابیت هم ممکن است در درون خود رشته باشد که آن هم بستگی به پشتکار، توانایی خلاقیت و علاقه هنرجو دارد، در غیر این صورت ممکن است در هر رشته هنری دیگری هم که باشد علاقه وی به دلایلی کمتر شود. در بخش خدمات، رشته گرافیک مورد علاقه دانش‌آموزان بیشتری است و از این رشته استقبال می‌شود.

۲- ایجاد زمینه برای نوآوری و انجام فعالیت‌های آموزشی خلاق هنرجویان: راه‌های انگیزشی فراوانی در این خصوص یافت می‌شود که متناسب با شرایط برخی راه‌ها، انتخاب می‌گردد، به‌طور مثال برگزاری نمایشگاه گروهی از آثار هنری، برگزاری نمایشگاه انفرادی، فراهم آوردن ملزومات و تجهیزات مورد نیاز، چاپ آثار تولید شده، امکان فروش آثار هنری، شرکت در بی‌نیال‌ها، ارتباط عاطفی استاد شاگردی و...

۳- توانایی مشاوران و کادر مدرسه در هدایت تحصیلی هنرجویان:

این راهنمای برنامه درسی در ابتدا به عنوان مهارت شروع، به شکل یک مجموعه از راهنماهای برنامه درسی گروه تحصیلی هنر، اقدام نماید چون در فزاینده‌گی برنامه درسی گروه تحصیلی هنر، بسیار مفید خواهد بود. با توجه به چندین کنفرانس که در حوزه آموزش هنر برگزار شده است. بحث آموزش هنر چه در سطح دانشگاه (بخش دولتی) و چه از سوی اصناف (بخش خصوصی) چالش برانگیز بوده است که بخشی از آن شاید دامنگیر آموزش هنر در این حوزه از آموزش و پرورش شده باشد.

۴- زمینه‌سازی محتوای برنامه درسی برای ارتقای دانش تخصصی: دانش تخصصی، زمینه خلاقیت و پیشرفت در عملکرد و تولید هنری هنرجویان را فراهم می‌آورد که بخشی از رویکرد دیسپلین محور محسوب می‌شود. همچنین امکان مطابقت فعالیت‌ها و محتوای برنامه‌های درسی را با پیشرفت‌های جدید، موجب می‌گردد.

۵- نحوه کارورزی هنرجویان به منظور اثربخشی بیشتر و عملکرد بهتر: هنرجویان در این باره برای پیدا کردن مؤسسه‌ای متناسب با رشته هنری با مشکلاتی مواجه هستند که یکی از آنها عدم استقبال کارفرمایان و آمادگی نداشتن هنرجو از نظر مهارتی به منظور همکاری بیشتر با مؤسسه و همچنین مشکلات فرهنگی بخصوص درباره کارورزی دختران که بیشتر به عدم نظارت آموزشی مستمر در این باره ارتباط دارد. تجمیع آنها در مراکز بخصوص برای گذراندن واحدهای کارورزی شاید با روح درس کارورزی به منظور آمادگی برای اشتغال در آینده، سازگاری نداشته باشد.

ه- فرصت‌های یادگیری موجود در برنامه درسی:

۱- امکان نمایش و فروش تولیدات هنری هنرجویان در نمایشگاه دائمی منطقه آموزشی: در این باره مناطق آموزشی حتی یک فضای آموزشی برای به نمایش گذاشتن آثار تولید شده هنرجویان در نظر نگرفته‌اند یا اگر در نظر گرفته شده است، برنامه مدون و منظمی برای نمایش آثار به عمل نمی‌آید. این کار یکی از نشانگرهای اهمیت دادن دست‌اندرکاران منطقه آموزشی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش است. به بهانه نداشتن فضای لازم، نمی‌توان از چنین کار بزرگی شانه خالی کرد. این فرصت آموزشی به مانند هر کار اداری، خدماتی و آموزشی دارای اهمیت است و برپایی "نمایشگاه اکتشافات خلاق هنری هنرجویان و هنرآموزان" یک ضرورت است. یکی از دلایل این ضرورت، افتخارآفرینی جوانان در نمایشگاه‌های اختراعات و اکتشافات داخلی و خارجی است. چرا کمتر از آنها جوانان خودمان را باور می‌کنیم؟!

۲- ایجاد زمینه برای انجام پروژه متناسب با بازارکار: همگی در خصوص مناسب بودن پروژه متناسب با اهداف و محتوای آموزشی و درسی متفق‌القول هستیم، پس چرا در بازارکار از آن استقبال نمی‌شود؟ شاید یک علت آن باشد که می‌بایستی ایده‌ها و الگوهای بیشتر و متنوع‌تری ارائه شود تا کارفرمایان بتوانند بهترین آنها را انتخاب نمایند. فزاینده‌گی ایده‌ها و الگوها، وابسته به مؤلفه‌هایی است که در پیش به صورت تلویحی به آن اشاره شده است.

۳- کارورزی در محیط‌های کار واقعی متناسب با رشته هنری: همان‌طور که اشاره گردید یا در محیط‌های کار واقعی کارورزی

پس جا دارد مرتبط با اهداف و محتوای درسی از این راه اطلاعاتی و ارتباطی به صورت یکی از منابع آموزشی و درسی کمک بگیرند.

۴- استفاده از تجهیزات کارگاهی، ابزار، وسایل و امکانات عملی: برخی موارد در این باره در پیش هم اشاره گردید؛ با توجه به ماهیت عملی رشته‌های مهارتی می‌بایستی امکان ارتباط دادن فعالیت‌ها و محتوای برنامه‌های درسی را با ملزومات مرتبط، فراهم کرد. اکنون که هنرجویان هزینه بسیار زیادی صرف تهیه ملزومات رشته هنری مورد علاقه خودشان می‌کنند جا دارد معاونت آموزش و پرورش مهارتی درخصوص تأمین نیروی انسانی متخصص و تجهیز کارگاه‌ها و کتابخانه‌ها و فن‌آوری‌های نوین، توجه بیشتری نماید.

۵- هم‌خوانی تولیدات هنری مدرسه و بازارکار: می‌بایستی کوشش شود تولیدات هنری هنرجویان اشتیاق کارفرمایان را که نشأت گرفته از تقاضای بازارکار است، جلب نماید و در این خصوص حتی به طور غیرمستقیم با هنرجویان و مستقیم با هنرستان شریک شوند. این عرضه و تقاضا نیاز به توازن دارد زیرا برخی سلیقه‌هایی که در بازارکار است ممکن است جنبه مد به طور نامتعارف باشد و فقط به فروش کالای هنری توجه شود، درحالی‌که تولیدات هنری هنرجویان در مدارس متناسب با اهداف آموزشی و درسی‌شان است.

و- اجرای فعالیت‌ها و محتوای برنامه‌های درسی رشته‌های هنر (شاخه کاردانش):

۱- مطابقت محتوای برنامه‌های درسی با نیازهای بازارکار: درخصوص این مسأله اشاراتی گردید ولی نکته دیگری که می‌بایستی مورد تأکید قرارگیرد آن است که با توجه به نیازهای جدید بازارکار و فن‌آوری نوین که روز به روز در حال تغییر و نوآوری است، محتوای برنامه‌های درسی می‌بایستی همراه با این تحولات، آموزش‌های جدیدی را پیش‌بینی نماید. در حال حاضر این فاصله وجود دارد، به تازگی در محتوای برخی از برنامه‌های درسی مطالبی متناسب با فن‌آوری‌های جدید به طور مثال آموزش کار با دوربین‌های دیجیتالی آورده شده است.

۲- انطباق اهداف آموزشی و آزمون‌ها با پیشرفت عملکرد هنرجویان: پیشرفت عملکرد هنرجویان با توجه به دو جنبه دانش نظری و عملی صورت می‌گیرد. یعنی تولیدات هنری دانش‌آموزان متناسب با اهداف و محتوای آموزشی برنامه درسی در گروه تحصیلی هنر شامل رشته‌های هنری همچون نقاشی، عکاسی، بازیگری، چاپ افست، تصویرسازی کامپیوتری، سفالگری، طراحی و نقش فرش، گرافیک کامپیوتری، تصویربرداری، نگارگری، معرق‌کاری چوب و نظایر آن است. در یک پژوهش، پنج عامل برون‌داد واسطه‌ای (پیشرفت و افت تحصیلی)؛ تحقق اهداف اجتماعی و آموزشی؛ دانش، مهارت و خلاقیت دانش‌آموختگان؛ اشتغال و کارآفرینی در سطح نامطلوب ارزشیابی شده است (صالحی، ۱۳۸۵، ۱۱۹).

۳- تدوین راهنمای برنامه درسی متناسب با دروس اختصاصی: این راهنمای برنامه درسی به شکلی وجود دارد ولی به مانند راهنمای برنامه درسی برخی دروس ابتدایی و راهنمایی که امکان چاپ آن به صورت کتاب مستقلی باشد، به دلایلی وجود ندارد. جا دارد که دست‌اندرکاران دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی به چاپ

فن‌آوری و همچنین سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای ارجاع داده می‌شود و در عوض عام‌گرایی تا دوره آموزش متوسطه وسعت داده شده و شاخه‌های نظری، فنی/حرفه‌ای و مهارت‌های پایه غیرفنی با یکدیگر تلفیق می‌شود و ترکیبی از گرایش‌های عمومی و اختصاصی ایجاد می‌گردد که می‌توان آن را در یک مدل سه‌وجهی از دروس اجباری، اختیاری و نیمه‌تجویزی جای داد و همچنین می‌تواند مشتمل بر طیف‌هایی به گونه‌ای که دانش‌آموزان در انتخاب دروس اختیاری از آزادی عمل در ساختار سه‌وجهی برخوردار نیستند، باشد (صدری، ۱۳۸۸، ۸۲). تاکنون در نظام آموزش و پرورش، عام‌گرایی و تخصص‌گرایی به صورت واقعی به نمایش درنیامده است و تأثیر چندانی در خارج از مدرسه نداشته، بلکه تأثیرات نامتعارفی را از جامعه پذیرفته است. به‌طورمثال پرورش تفکر در سرتاسر برنامه درسی مطرح می‌باشد؛ در این راستا گفته شده است که یکی از پیامدهای تربیت هنری، پرورش تفکر دانش‌آموز در مقام هنرجو (تأمل، وسعت اندیشی، شفافیت و سازمان‌یافتگی فکر) است ولی در هنگام اجرای برنامه درسی هنر به عوامل و عناصر برنامه درسی نظیر اهداف و محتوا؛ گروه‌بندی؛ فعالیت‌های یادگیری؛ مکان، زمان و ابزار یادگیری؛ ارزشیابی و استراتژی تدریس که لازمه‌ی ایجاد ویژگی‌های موردنظر مانند مهارت‌های اساسی زندگی در فراگیران است، توجه نمی‌شود. از این رو، عام‌گرایی در سطوح پایین‌تر دوره‌های تحصیلی و تخصص‌گرایی در سطوح بالاتر به‌طور معنی‌دار، تحقق نمی‌یابد. اتخاذ هر رویکرد دیگر همچون تخصص‌گرایی نرم^{۱۴} که تلفیقی از عام‌گرایی^{۱۵} و تخصص‌گرایی را شامل می‌شود، بستگی به توازن میان برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب‌شده و همچنین توجه به عناصر برنامه درسی در آموزش‌های فنی/حرفه‌ای و کاردانش دارد.

صورت نمی‌گیرد و یا با کارایی و کیفیت مطلوبی اجرا نمی‌شود. شاید اتخاذ هنرستان‌های همجوار با کارخانه یا مؤسسه یکی از دلایل اهمیت کارورزی در محیط‌های کار واقعی باشد. در این باره شاید هماهنگی و تفاهمی چندان کارسازی در بخش آموزش و پرورش، سازمان فنی و حرفه‌ای و متولیان وجود نداشته باشد.

۴- بازدید آموزشی از واحدهای تولیدی متناسب با رشته هنری: بازدیدهای آموزشی فرصت یادگیری بسیار غنی‌ای برای دانش‌آموزان فراهم می‌آورد. در این خصوص یاد می‌آید که در سال سوم راهنمایی (سال ۱۳۵۶) مرتبط با هفته مشاغل علاوه بر دعوت از سخنرانان مختلف، از یک کارخانه تولید رادیو ترانزیستوری که وابسته به شرکت یکی از کشورهای پیشرفته دنیا بود در مشهد دیدن کردیم. اکنون پس از این مدت نمی‌توان نظیر آن رادیوی ساده را در بازار فروش کنونی هم پیدا کرد. در شهر شیراز همچنین کارخانه‌ای که وابسته به یکی از شرکت‌های ژاپنی بود وجود دارد که هم‌اکنون تلویزیون‌هایی با کیفیت بالا تولید می‌کند ولی چون نام ایرانی دارد از آن استقبال چندانی نمی‌شود.

۵- ایجاد زمینه برای انجام فعالیت‌های گروهی و امکان یادگیری مشارکتی^{۱۳} متناسب با بازار کار: ایجاد گروه‌های کوچک کاری متناسب با اهداف و محتوای آموزشی و بازارکار مهارت شروع مناسبی برای هماهنگ کردن و ایجاد تفاهیم میان آن دو است که با توانایی‌ها و استعدادها متفاوت هنرجویان سازگار است. بخش‌های فرهنگی کشور می‌توانند با هدف تشویق هنرجویان با همکاری گروه‌های کوچک هنرستان‌ها، پروژه‌هایی را به سامان برسانند.

گذر و نظری بر دیدگاه تخصص‌گرایی نرم

براساس دیدگاه تخصص‌گرایی نرم (عام‌گرایی نوع دوم)، تخصص‌گرایی به بخش‌های اختصاصی وزارت علوم، تحقیقات و

نتیجه

رشته‌ها براساس استانداردهای تعیین شده؛ تهیه و تولید فیلم‌های آموزشی که معرف محیط‌های واقعی کار است؛ فعالیت و تعامل هنرجو و هنرآموز و همچنین مشارکت میان کارخانه و مرکز آموزشی؛ تدوین راهنماهای برنامه درسی؛ توجه به نقش گروه‌های آموزشی؛ ارتباط دادن نیازهای منطقه و آموزش، ارتباط افقی و عمودی میان فعالیت‌ها و محتوای برنامه‌های درسی گروه‌های تحصیلی هنر در نظام متوسطه و نظام آموزش عالی (دانشکده‌های فنی و هنر) و ...

در شاخه کاردانش اساس برنامه‌ریزی درسی، استانداردهای مهارت مرتبط با هر شغل است که این استانداردهای مهارت را حوزه‌های حرفه‌ای/تخصصی تهیه می‌کنند و در قالب رشته‌های مهارتی قرار می‌گیرند. انتظار این است که دانش‌آموختگان رشته‌های تحصیلی/شغلی، مهارت و توانایی لازم را برای اشتغال در هر استاندارد را داشته باشند.

برای بهبود کیفیت مسایل پژوهش در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با تأکید بر گروه تحصیلی فنی و حرفه‌ای که برخی از مسایل نقل‌گردید و برخی هم به صورت کندوکاو مورد تحلیل بیشتری قرار گرفت، توجه به سیاست‌های راهبردی زیر اهمیت دارد:

مطالعه مبانی نظری و عملی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛ ارتقای منزلت اجتماعی دانش‌آموختگان از راه توجه به دانش عملی و فنی؛ در نظر گرفتن امکانات و نیازها و پتانسیل مناطق کشور؛ تهیه و تدوین محتوای برنامه درسی متناسب با فن‌آوری‌های نوین؛ جهت‌گیری‌های برنامه درسی با راهبردها و سیاست‌های ساحت اقتصادی-حرفه‌ای؛ هماهنگی آموزش‌ها با پیشرفت‌های فن‌آوری و بازارکار؛ توجه به تأمین نیروی انسانی (هنرآموز)؛ توجه به دانش تخصصی و عملی در محتوای کتاب‌های درسی و همچنین آموزش‌های حین خدمت هنرآموزان؛ تهیه کتاب‌های کمک آموزشی و درسی (تخصصی و مهارتی) برای هریک از

پی‌نوشت‌ها:

۸ Labor market	۱ Training branch
۹ Inrollment rate	۲ Learning opportunity
۱۰ Curriculum orientation	۳ Deliberative Inquiry
۱۱ Professional training	۴ Efficiency
۱۲ Specialism	۵ Entrepreneurship
۱۳ Cooperative learning	۶ Technical / Vocational Education
۱۴ Soft specialization	۷ Skills standards
۱۵ Generalism	

فهرست منابع:

- آزاد، ابراهیم (۱۳۸۵)، ضرورت توسعه توأمان (کمی - کیفی) آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، تهران، دفتر انتشارات کمک آموزشی، رشد فنی و حرفه‌ای (بهار)، صص ۲-۳.
- آزاد، ابراهیم (۱۳۸۶)، سیاست‌ها و راهبردهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، تهران، دفتر انتشارات کمک آموزشی، رشد فنی و حرفه‌ای (بهار)، صص ۲-۳.
- افشار، دارا (۱۳۸۶)، مصاحبه و گفت و شنود در خصوص مسایل گروه تحصیلی هنر در شاخه‌ی کاردانش (استاد هنر و کارشناس ارشد معاونت آموزش‌های متوسطه "نظری و مهارتی").
- امراللهی، شیرین (۱۳۸۲)، تاریخچه و راهنمای جامع دانشگاه هنر تهران، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.
- ایران پور، جهان‌شاه (۱۳۸۶)، شاخه‌ی کاردانش کانون آموزش مشارکت؛ رشد فنی و حرفه‌ای (تابستان)، دفتر انتشارات کمک آموزشی، صص ۲۰-۲۵.
- جعفرآبادی، محسن (۱۳۸۵)، مسایل آموزش فنی و حرفه‌ای از گذشته تاکنون (یادیار)، رشد فنی و حرفه‌ای (بهار)، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، صص ۴-۷.
- چهاربند، اسفندیار (۱۳۸۵)، شاخه‌ی کاردانش، نوآوری در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، رشد فنی و حرفه‌ای (بهار)، دفتر انتشارات کمک آموزشی، صص ۸-۱۱.
- حج‌فروش، احمد (۱۳۸۵)، توصیه‌های آرمانی دیگران و وضعیت بحرانی، در آموزش فنی و حرفه‌ای، رشد فنی و حرفه‌ای (بهار)، دفتر انتشارات کمک آموزشی، صص ۱۹-۲۱.
- خلاق، علی‌اصغر (۱۳۸۵)، نقش و اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه اقتصادی، رشد فنی و حرفه‌ای (بهار)، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، صص ۱۲-۱۶.
- خلاق، علی‌اصغر (۱۳۸۶)، تدوین الگوی نظری در ساخت در جهت اقتصادی - حرفه‌ای (نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران)، سند منتشر نشده کمیته مطالعه نظری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، دفتر تدوین سند ملی آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- خلاق، علی‌اصغر (۱۳۸۶)، واحد تولید و مهارت‌آموزی، تهران، رشد فنی و حرفه‌ای (بهار)، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، صص ۴-۹.
- رحمانی، حسین (۱۳۸۶)، جذب و تربیت نیروی انسانی در شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش، رشد فنی و حرفه‌ای، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، صص ۳۶-۳۷.
- ریسمانچیان، مجید و دهرویه، علی‌رضا (۱۳۸۶)، آموزش کشاورزی در شاخه‌ی کاردانش، رشد فنی و حرفه‌ای (پاییز)، دفتر انتشارات کمک آموزشی، صص ۳۰-۳۵.
- زالی، علی‌جعفر (۱۳۸۵)، کارآفرینی و پیامدهای آن؛ رشد فنی و حرفه‌ای (زمستان)، دفتر انتشارات کمک آموزشی، صص ۳۷-۴۴.
- سلسبیلی، نادر (۱۳۸۰)، ارائه یک الگوی راهنما برای کاربرد دیدگاه‌های برنامه‌دستی با تأکید بر دوره متوسطه؛ فصل‌نامه تعلیم و تربیت، شماره ۶۸، صص ۷-۴۴.
- صالحی، کیوان و... (۱۳۸۵)، نگاهی تحلیلی بر عملکرد هنرستان‌های کاردانش (ارزشیابی برون‌دادهای هنرستان‌های کاردانش منطقه ۲ شهر تهران)، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۶، صص ۱۱۹-۱۶۳.
- متین، نعمت‌اله (۱۳۸۹)، بررسی کارایی بیرونی رشته‌های حسابداری و کامپیوتر شاخه کاردانش در شهر تهران. مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.
- صدری، عباس (۱۳۸۸)، طراحی الگوی برنامه‌ریزی درسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای عام برای دوره‌ی متوسطه، فصل‌نامه انجمن مطالعات برنامه‌دستی ایران، شماره ۱۳ و ۱۴، صص ۸۲-۱۰۴.
- طهماسبی (۱۳۸۶)، مصاحبه و گفت و شنود در خصوص مسایل گروه تحصیلی هنر در شاخه‌ی کاردانش (استاد هنر و کارشناس ارشد معاونت آموزش‌های متوسطه "نظری و مهارتی").
- محمدپور، احمد (۱۳۸۸)، تحلیل داده‌های کیفی: رویه‌ها و مدل‌ها، فصل‌نامه انسان‌شناسی و انجمن انسان‌شناسی ایران، شماره ۱۰، بهار و تابستان، صص ۱۲۷-۱۵۹.
- مقیم، بنی‌الله (۱۳۸۵)، کارآفرینی، رشد فنی و حرفه‌ای، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، صص ۲۶-۲۷.
- نویدی، احد و همکاران (۱۳۸۳)، چکیده تحقیقات آموزش فنی و حرفه‌ای (جلد سوم)، انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت، تهران.
- نویدی، احد و همکاران (۱۳۸۴)، چکیده تحقیقات آموزش فنی و حرفه‌ای (جلد چهارم)، انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت، تهران.
- نویدی، احد؛ متین، نعمت‌الله با شریعت‌زاده، محمد مهدی (۱۳۸۹)، مصاحبه و گفت و شنود در خصوص مسایل شاخه فنی/حرفه‌ای و کاردانش، گروه پژوهشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، پژوهشکده تعلیم و تربیت، تهران.
- نویدی، احد؛ جعفرآبادی، محسن؛ خلاق، علی‌اصغر؛ حج‌فروش، احمد؛ اسماعیلی، مهدی؛ مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۹)، چشم‌انداز آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با همکاری انجمن مطالعات برنامه‌دستی ایران و گروه پژوهشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای پژوهشکده تعلیم و تربیت، مهرماه.